

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شباهنگ راد

۱۱/۰۳/۰۳

در گرامیداشت یازده [حوت] اسفند ۱۳۵۰



اسدالله مفتاحی غلامرضا گلوی مجید احمدزاده حمید توکلی عباس مفتاحی مسعود احمدزاده

شاه جلاد به مانند تمام دیکتاتورهای زمانه و به منظور بقای به ناحق خویش کمر به نابودی کمونیست‌ها، مبارزان، انقلابیون و توده‌های معترض بسته بود. بر این پندار واهی بود که "جزیره ثبات و امنیت" سرمایه با سرکوب و کُشت و کُشتار فرزندان محرومان ابدی خواهد ماند و جلوسش رنگین‌تر خواهد گردید. به همین دلیل کُشت و خُرد و بُرد تا جامعه و زندگی ملیون‌ها انسان رنج‌دیده را به مسیر تخریبی سوق دهد؛ بر میزان اختناق و خفقات افزود تا سرمایه‌داران قادر گردند در بالاترین حد ممکن به زندگی انگل‌وار خود ادامه دهند.

این‌ها از زمره منش و شیوه عریان و خشن جوامع وابسته به سرمایه‌های امپریالیستی‌ست. بی‌گمان در مرام چنین نظام‌هایی محترم شمردن حقوق پایه‌ای انسان‌ها بی‌معناست. چرا که همه هم و غم و وظیفه‌شان، با سوداندوزی هر چه بیشتر به نفع طبقه خودی و سرکوب ابتدائی‌ترین خواسته‌ها و مطالبات کارگری – توده‌ای تعریف می‌گردد؛ چرا که همه تلاش‌شان بر آن است، تا مبادا روزی دیوارهای ضخیم اختناق و خفقات‌شان ترک بر دارد و صدای حق طلبی و آزادی به گوش دنیای انسانیت برسد. با کار به بستن سلاح و با قهر ضد انقلابی، راه هرگونه مبارزه پایه‌ای و مسالمت‌آمیز را سد می‌نمایند تا گردونه سوددهی و منفعت سرمایه، با مشکلات عدیده‌ای روبرو نگردد. بی‌دلیل نیست که چاره کار را در بگیر و ببندهای فله‌ای، شکنجه و مثله نمودن بدن کمونیست‌ها، مبارزان، مخالفان و معترضان می‌بینند و به بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن، به جان آنان می‌افتند.

جامعه ایران در یازده [حوت] اسفند هزار و سیصد و پنجاه، شاهد اعدام دسته‌جمعی تعدادی دیگر از کمونیست‌ها و فرزندان کارگران و زحمت‌کشان - مسعود احمدزاده، مجید احمدزاده، حمید توکلی، غلام رضا گلوی، اسدالله مفتاحی و عباس مفتاحی - توسط ارگان‌های مسلح نظام شاهنشاهی بوده است. در این روز شاه جلاد این رفقاء را به مسلخ

مرگ کشاند تا به زعم خویش بتواند پژواک آزادی را در دالان‌های شکنجه و خفقا محبوس نگه دارد. می‌خواست با اعدام و با گسترش ترس و وحشت، بر فضای در هم ریخته جامعه مسلط گردد. چرا که در آن زمان نسلی به پا خاسته بود و بر خلاف جو حاکم بر جامعه، راه نوینی از مبارزه علیه سرمایه را پیشه خود ساخت که اهمیت و نقش اثرگذار آن بر کسی پوشیده نیست. نسلی که جنبش کمونیستی ایران و مبارزات ضد امپریالیستی توده‌های ستم‌دیده بعد از گذشت چهار دهه از عمر آن، به نیکی یاد می‌کنند و بر این باورند که آن رفقاء با جسارت انقلابی خود، بنای کار و فعالیت کمونیستی را پای ریختند که جامعه سرپا مسلح ایران در جسجوی آن بود.

سی‌ونه است که از اعدام مسعود احمدزاده و دیگر یارانش می‌گذرد؛ سی‌ونه سالی که نه تنها از حقانیت راه آنان کاسته نشده است بلکه خلأ و فقدان چنین کمونیست‌های ارزش‌مندی، این‌روزها در درون جامعه ایران - و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی پای به پای رژیم پهلوی به جان کارگران، زحمت‌کشان و جوانان و آن‌هم با زور و سلاح می‌افتد - قابل لمس و محسوس می‌باشد. جامعه‌ای که تشنه فعالیت کمونیستی نسلی است که مسعود احمدزاده و دیگر همراهانش بنیان‌گذار آن بودند.

یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد!

۱۱ [حوت] اسفند ۱۳۸۹

۲ مارس ۲۰۱۱